

بررسی ادبیات اقتصاد انرژی

ابعاد ژئوپولیتیکی خطوط اصلی صادرات نفت و گاز منطقه دریای خزر

مؤلف: دکتر تهمینه ادیب فر

ناشر: موسسه مطالعات بین المللی انرژی

در این کتاب سعی شده است تا با استفاده از تجربیات گذشته، اهداف سیاسی کشورهای ذی نفع که زمینه ساز احداث خطوط لوله در منطقه دریای خزر تلقی می شود؛ مورد بررسی قرار گیرد. بررسی تحولات ژئوپولیتیکی منطقه دریای خزر نشان می دهد که احداث خطوط لوله جایگزین در این منطقه حکایت از چالشهای منطقه ای دارد که به شکل رقابتهای تجاری، قدرت و نفوذ سیاسی، کشورهای منطقه را به چالش فرا می خواند. بدین منظور در این کتاب سه خط لوله اصلی یعنی خط لوله شمالی^۱، خط لوله غربی^۲ و خط لوله باکو-تفلیس-جیحان^۳ (BTC) مورد بررسی قرار گرفته اند تا جنبه های تصمیم گیری در مورد خط لوله اصلی صادرات^۴ و خط لوله BTC که گزینه مورد نظر آمریکا برای صادرات نفت منطقه است روشن شود. علاوه بر این، حوادث یازدهم سپتامبر (که در خلال تالیف این کتاب بوقوع پیوست و تاثیر بسزایی بر کشورهای منطقه داشت) باعث شد تا آمریکا بتواند استراتژیهای عملیاتی خود را بنحوی تغییر دهد تا از عهده تأمین منافع خود بر آید.

بخش اول کتاب به اهمیت مسئله احداث خطوط لوله برای صادرات نفت و گاز منطقه دریای خزر به بازارهای جهانی می پردازد زیرا کشورهای دارای نفت و گاز منطقه بطور مستقیم به دریاها و آزاد راه ندارند. در این بخش جنبه های اقتصادی و حقوقی توسعه

1. North Route
2. West Route
3. Baku-Tbilisi- Ceyhan (BTC)
4. Main Export Pipeline

منابع انرژی منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا آمادگی ذهنی کافی برای درک تحلیل سیاسی تحولات خطوط لوله در این منطقه که در بخش دوم کتاب به آنها پرداخته خواهد شد ایجاد شود.

در بخش دوم کتاب، خطوط لوله شمالی، غربی و BTC مورد بررسی قرار می‌گیرند تا بدین ترتیب منافع کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای و نیز نحوه تعامل آنها با یکدیگر در جهت تامین منافع خود مشخص و نیز وضعیت هریک در تعاملات ژئوپولیتیکی منطقه در دوران پس از جنگ سرد روشن شود. در این بخش آشکار می‌شود که منافع ژئوپولیتیکی کشورهای ذی‌نفع در تعیین سرنوشت خطوط لوله نقش اساسی بازی می‌کند و شرکتهای بین‌المللی نفت اگرچه در فرایند تصمیم‌گیریها دارای نقش هستند ولیکن نقش آنها در مقایسه با کشورها بسیار جزئی و کم‌رنگ است. درنهایت در این بخش از کتاب، نقش وقایع یازدهم سپتامبر بعنوان یک عامل خارجی در تعاملات منطقه‌ای روشن می‌شود و اینکه چگونه دولت ایالات متحده از این فرصت به بهترین وجهی برای اجرای سیاستهای خود در منطقه بهره می‌گیرد.

نویسنده کتاب چنین نتیجه‌گیری می‌کند که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اعم از کشورها و شرکتهای بین‌المللی در فضایی حرکت می‌کنند که مملو از تهدیدها و فرصتهایی است که خود آنها نیز حاصل فرایندهای تعاملی هستند که در منطقه در حال گسترش است. معهدا بازیگران قدرتمند خارجی (در این مورد ایالات متحده) دارای آنچنان دایره اختیاری هستند که می‌توانند براحتی مسیر تحولات را تعیین کنند و یا تغییر دهند زیرا جایگاه این قدرت‌ها به اندازه‌ای از لحاظ راهبردی دارای اهمیت است که آنها براحتی می‌توانند از حوادثی نظیر یازدهم سپتامبر به بهترین نحو در جهت حفظ منافع خود استفاده کنند و به اهداف سیاسی خود نایل شوند.

رژیم‌های مالی در صنعت نفت؛ نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران

مؤلفان: مهرا ن امیرمعینی و سید محمدعلی حاجی‌میرزایی

ناشر: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

رانت اقتصادی بخشی از بازده ناشی از تولید است که بدون لطمه زدن به جریان تولید می‌توان از تولیدکننده اخذ کرد. با توجه به مالکیت عمومی ذخایر و منابع نفتی و امکان ایجاد رانت قابل توجه در فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی نفت و گاز، دولت‌ها همواره به دنبال ابزاری هستند که در چارچوب قانونی اقدام به اخذ حداکثر رانت حاصله از فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی نفت و گاز از شرکت‌های نفتی نمایند و از همین رو نیز به تدوین رژیم‌های مالی منابع هیدروکربوری اقدام می‌کنند. با کاربردی شدن رژیم‌های مالی، درآمد حاصل از بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، میان کشور میزبان (دارنده ذخایر) و شرکت‌های نفتی تقسیم می‌گردد.

بر اساس تجارب موجود عمده‌ترین ابزارهای رژیم مالی در بخش نفت و گاز عبارتند از بهره مالکانه، حق امتیاز، مالیات بر درآمد، مالیات ویژه، مالیات بر رانت منبع، اجاره‌بها و ... تجربه برخی از کشورها حاکی از آن است که شرکت‌های ملی نفت علی‌رغم اینکه مالکیت دولتی خود را حفظ کرده‌اند، براساس اهداف تجاری و تحت رژیم‌های مالی مدون فعالیت می‌کنند و به این دلیل حساب‌های مالی این شرکت‌ها بسیار شفاف بوده و دولت‌ها در زمینه دریافت مالیات و بهره مالکانه همچون سایر شرکت‌های نفتی با آنها رفتار می‌نمایند؛ بنابراین انگیزه لازم برای افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها در سیستم مدیریتی این شرکت‌ها ایجاد می‌گردد.

کتاب حاضر با هدف بررسی امکان تدوین رابطه مالی مناسب بین دولت و شرکت ملی نفت تدوین گردیده است. در فصل اول آن مبانی نظری رژیم‌های مالی در صنعت نفت و گاز ارائه شده و در فصل دوم تجارب کشورهای نروژ، ونزوئلا و روسیه در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم کتاب به تعریف رابطه مالی و تفاوت آن با رژیم مالی پرداخته است. بررسی روابط مالی حاکم بین دولت و شرکت ملی نفت در دوره‌های متفاوت، موضوع فصل چهارم این کتاب است و در فصل پنجم چارچوب کلی و ویژگی‌های رابطه مالی مناسب بین دولت و شرکت ملی نفت تبیین و پیشنهاد شده است.